



محمد اسحاق عارفی

شهید مزاری؛ حقیقت درخشان و اسطوره‌ای!

الف. ایجاد و تأسیس ساختار قانونی حاکمیت

مقدمه



شهید مزاری از شخصیت‌های تأثیرگذار و شگفت‌انگیز تاریخ معاصر کشور ما است که دل‌های بسیاری را در کمند آرمان‌های صادقانه و انسانی خویش گره زده است و شوریدگان عاشق را در میان نسل‌های متفاوت شهروندی مهبیای سرسپردگی و دلبردگی کرده است. شهید مزاری اسطوره‌ای شد که جاودانگی‌شان از میان انبوه قمار پیشگان سیاست و جنگ، خشونت و انسان‌کشی، قدرت‌طلبی و افزون‌خواهی، بر دل و جان انسان‌های که منتظر سروش عدالت، برابری، انسانیت، رهایی، آزادی و آزادگی بودند، مشرقانه تابید. شهید مزاری حقیقت اسطوره‌ای شد که لجوج‌ترین دشمنان او زبان به اعتراف اسطوره‌گی و جاودانگی او گشود و خفت‌بارانه در پای این سرو رعنا و بلند قامت تاریخ اسطوره‌گی مردم ما، سر به زمین سایید. شهید مزاری از آن رو به مثابه اسطوره جاودانه در تارک تاریخ مردم خویش درخشید که ایده‌ها و آرمان‌های تاریخی مردم خویش را در قالب انسانی و عقلانی‌ترین گفتمان قابل عمل ارایه کرد که جاودانگی و طراوت‌شان را برای همه فصول حفظ کرده است. شهید مزاری با درک عمیق از دردها، آرمان‌ها و ایده‌های شهروندان هم‌سرزمین خویش، عالی‌ترین راه‌ها را ارائه داد.

شهید مزاری بر بنیاد مطالعات عمیق و دقیق که از وضعیت، شرایط و سابقه تاریخی، سیاسی و اجتماعی مردم خویش داشت، راه‌حل‌ها و روش‌های بنیادینی را رجحان‌بندی کرد و برای رهایی از وضعیت اسفبار تاریخی مردم خویش، ارائه کرد. از منظر تفکرات شهید مزاری، مهم‌ترین موضوع که به انسداد وضعیت سیاسی، اجتماعی و تاریخی مردم‌شان منجر شده است، عدم حضور و مشارکت مردم در ساختارهای اقتدار و یا قدرت عمومی شناخته شده است. قدرت عمومی که امروزه از آن تحت عنوان دولت و یا نظام سیاسی یاد می‌شود، از منظر شهید مزاری، مرجع اصلی جهت‌دهی و رهبری خورده‌نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و سایر نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود. به همین دلیل نظام سیاسی، در منظومه فکری شهید مزاری از جایگاه اول و بنیادینی برخوردار است. از همین روی شهید مزاری در طول مبارزات سیاسی‌شان، به صورت عمومی، بر حضور مردم در ساختار قدرت عمومی و با کیفیت تأثیرگذار، تأکید داشته است؛ ولی در برخی از مصاحبه‌های‌شان به صورت ویژه بر تشکیل یک مرجع قانونی حاکمیت تأکید کرده است. (غفاری لعلی، ۱۳۹۷:

قدرت عمومی و حکومت در اندیشه شهید مزاری از برجستگی فوق‌العاده برخوردار است که در همین ارتباط دغدغه و نگرانی اصلی‌شان را تشکیل و ایجاد حکومت دانسته است. شهید مزاری در همین رابطه اظهار داشته است که: «هدف ما تشکیل حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است. ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌گرایی، تفاخر و افزون‌خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم، نژاد، با هر رنگ و زبان، برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت‌های افغانستان تأمین شود و آن‌ها بتوانند متناسب با میزان حضور و نقش‌شان در جهاد چهارده ساله ضد روسی در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان سهم بگیرند.» (همان: ۸۲).

بر بنیاد این دیدگاه، نبود قدرت قانونی و در پی آن، عدم حضور مردم در ساختار و نهادهای حکومتی، پی‌آمدهای جبران‌ناپذیر و خسارت‌باری را به دنبال دارد که تمامی پروسه‌های انکشاف رفاهی، فرهنگی و اجتماعی شهروندان کشور را آسیب زده و مانع جدی در جهت رشد و ترقی جوامع بازی می‌کند. به خصوص در دوره معاصر، مقاطعه و جدایی با نظام سیاسی که نفوذ و اقتدار دولت‌ها خصوصاً در عرصه‌های زندگی مردم را تحت نفوذ قرار داده است، زیان‌های جبران‌ناپذیر را به وجود آورده و زمینه‌های عقب‌گرد جوامع را فراهم می‌کند. بنابراین، حضور در ساختارهای مرجع قانونی و به عبارت دیگر حضور در ساختارهای قدرت عمومی و حکومت، بنیادی‌ترین مؤلفه تفکر شهید مزاری بوده است که در هر حالت باید تأمین شود.

ب. حاکمیت مردم‌سالار و مبتنی بر اراده شهروندی

دومین نکته که در تفکر و ذهنیت سیاسی اجتماعی شهید مزاری از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، کیفیت نظام سیاسی از یک سو و چگونگی حضور مردم در ساختار نظام سیاسی است که از اهمیت و ویژگی برجسته‌ای برخوردار است. شهید مزاری از یک سو بر وجود قدرت عمومی که ساختارهای حضور و مشارکت مردم در آن تعبیه و تمهید شده است تأکید می‌کند و از سوی دیگر بر تحرک و حضور مسئولان مردم خویش در روندهایی که برای تأمین مشارکت مردم ایجاد شده، اصرار می‌ورزد. شهید مزاری خواستار حکومت و حاکمیت

”

شهید مزاری از یک سو بر وجود قدرت عمومی که ساختارهای حضور و مشارکت مردم در آن تعبیه و تمهید شده است تأکید می‌کند و از سوی دیگر بر تحرک و حضور مسئولان مردم خویش در روندهایی که برای تأمین مشارکت مردم ایجاد شده، اصرار می‌ورزد.

“

سیاسی‌ای شده است که ساختارهای حضور و مشارکت مردم در آن تعبیه شده باشد و مردم زمینه تأثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی‌شان را داشته باشند. ایشان در بسیاری از اظهار نظرهای خویش، به خصوص بعد از استقرار در کابل، تأکید داشته است که ساختار حکومت آینده کشور به گونه‌ای باید طراحی و ایجاد شود که نهاد انتخابات در آن چارچوب به عنوان یک اصل پذیرفته شده باشد و مردم از طریق آن به تمثیل اراده سیاسی خویش بپردازد. شهید مزاری سیستم اقتدارگرا و بدون نهادهای دموکراتیک را در هر قالب‌شان مردود دانسته، تنها و تنها راه‌هایی کشور را از استبداد و اقتدارگرایی‌های متمرکز و چندین قرنه، در نظام سیاسی‌ای جست‌وجو می‌کرد که اقتدار و حاکمیت ملی با شیوه‌های انتخاباتی و با تمثیل اراده سیاسی شهروندان به وجود آمده باشد. بر بنیاد چنین تفکر سیاسی است که شهید مزاری با صراحت اظهار می‌دارد: «ما تنها راه حل مسئله افغانستان را در انتخابات می‌دانیم... ما معتقدیم که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد و همه مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت کنند، ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه‌شان رد می‌کنیم و طرفدار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر و جوان برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم.» (همان: ۴۱).

شهید مزاری بر اساس سنجش‌های عمیق و سنجیده‌ای که از وضعیت سیاسی موجود در کشور به صورت یک کل و بررسی عمیق وضعیت سیاسی و انسداد تاریخی مردم‌شان به صورت ویژه، انجام داده بود، بر

”

شهید مزاری بر اساس سنجش‌های عمیق و سنجیده‌ای که از وضعیت سیاسی موجود در کشور به صورت یک کل و بررسی عمیق وضعیت سیاسی و انسداد تاریخی مردم‌شان به صورت ویژه، انجام داده بود، بر اصل نهاد انتخابات و سیستم انتخاباتی تأکید ورزیده و راه‌حل انسدادهای سیاسی و عدم حضور و مشارکت مردم در تأسیس حاکمیت سیاسی را در ایجاد بنیادهای انتخاباتی دانسته و بر این اصل پافشاری و اصرار ورزیده است.

“

شهید استاد مزاری در جهت تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی مردم خویش، صراحت و جدیت قاطع ابراز داشته و بر همین اساس توصیه می‌کند که در تمام پروسه‌های ملی که در جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی مردم ما نقش ایفا می‌کند، حضور جدی و پرشور داشته باشید. از همین روی در انتخابات مجلس ملی میزان ۱۳۹۷ که حضور مردم ما کم رنگ بود، زبان‌های جبران‌ناپذیر را دیدیم. لذا لازم است که این توصیه شهید مزاری را در هر شرایطی جدی تلقی کرده و همانند حضور مردم خویش در مقاومت عدالت‌خواهانه غرب کابل، حضور خویش را در پروسه‌های ملی تقویت کرده و به صورت جدی در فرایندهای انتخاباتی حضور و مشارکت جدی و تأثیرگذار داشته باشیم.

منابع

۱. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۹۷). فریاد عدالت: مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری. کابل: بنیاد اندیشه.
۲. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۸۸). احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری (چاپ دوم). کابل: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (سراج).

اصل نهاد انتخابات و سیستم انتخاباتی تأکید ورزیده و راه‌حل انسدادهای سیاسی و عدم حضور و مشارکت مردم در تأسیس حاکمیت سیاسی را در ایجاد بنیادهای انتخاباتی دانسته و بر این اصل پافشاری و اصرار ورزیده است. اصرار و پافشاری شهید مزاری بر ایجاد نظام سیاسی مردم‌سالار و متکی بر انتخابات آزاد و برآمده از آراء شهروندان کشور، حکایت از عمق و ژرفای تفکر سیاسی ایشان دارد که به صورت دقیق و اساسی راه‌حل‌های مشارکت‌پذیر را پیشنهاد کرده و از به کرسی نشستن آن عقب نشینی نکرده است. چنین گفتمان است که شهید مزاری را به مثابه یک حقیقت‌درخشان و اسطوره‌ای جاودانه ساخته است.

ج. حضور مؤثر جهت تأمین مشارکت در نظام سیاسی

از سوی دیگر بر تحرک و حضور مسئولانه مردم خویش در روندهایی که برای تأمین مشارکت مردم ایجاد شده است، تأکید می‌کند. هرچند در زمان حیات شهید مزاری نه تنها انتخابات که حتی نظام سیاسی قابل قبول برای شهروندان کشور ایجاد نشد؛ ولی توصیه‌های جدی شهید مزاری جهت حضور همیشگی شهروندان کشور در تعیین مقدرات سیاسی و اجتماعی‌شان گویای پویایی و تحرک فوق‌العاده گفتمان شهید مزاری است که در دل کتله‌های وسیع مردم خویش جاودانگی یافته است. شهید مزاری نه تنها مردم را جهت حضور همیشگی، مستمر و فداکارانه تأکید می‌کرد که خود نیز به عنوان رهبر و راهنمای این مردم، حضور مؤمنانه و فداکارانه‌ای در عرصه‌های متفاوت سیاسی، نظامی و اجتماعی جامعه خویش داشته است. شهید مزاری در این راه، فداکارانه و شیدایی‌تر از عاشقان خویش، پایمردی و ایستادگی کرد و سر از پا نشناخته، همه هستی‌شان را در قمار این عشق به سودا کشید. بر بنیاد ایجاد چنین گفتمان بود که شهید مزاری به عنوان حقیقتی بر گونه‌های اساطیر مردم خویش جاودانه گردید. شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خویش در غرب کابل با صراحت تمام تأکید می‌کرد که: «باید به تمام مسائل سیاسی اجتماعی سهم بگیرید، همان طوری که همه از افغانستان هستیم و برای آزادی افغانستان جنگیده‌ایم و سرنوشت افغانستان را باید خودمان تعیین کنیم... و ما آینده خودمان را تعیین می‌کنیم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸: ۲۳).